

معنی و اهمیت صنایع ظریفه

صنعت به طور کلی استعداد و قابلیت و با هنر را گویند که در نتیجه آزمایش و تجارب
ممتدی حاصل میگردد و دارندۀ آن میتواند اثری شایسته از خود بظهور آورد .
بعضی دانشمندان صنعت را از لحاظ غایت به سه قسمت تقسیم کرده اند :

نخست آنکه در عمل خود بشر از تناسب و خوبی بروز نماید و آن صنعت رفتار
و با اخلاق است . در واقع زندگی و روابط و مناسبات با مردم و طرز معامله و معاشرت
خود صنعتی است و کسیکه در رفتار خود با افراد نوع ماهر و نیک باشد او را باید هنرور نامید
و توان گفت برای اشاره بدین مفهوم است که شکسپیر گفته زندگانی صنعتی است و صفحه جهان
سحنه ایست و مرد که روش آنرا میداند صنعتکار است .

دوم صنعتی است که محصول نافع و آثار سودمند بوجود آورد مانند دروگری و آهنگری
و پزشکی و مهندسی که غایت آن فایده و نفعی است و پیداست که کارهای مادی زندگانی در نتیجه
این قسمت صنعت بکار میافتد .

سوم صنعتی است که تنها حسن جمال صنعتکار را جلوه میدهد و ذوق بدیعی ما را تحریک
میکند و نشاط یا اضطراب معنوی ذوقی در ما ایجاد میکند و روح ظرافت و لطف و آهنگ در ما
میدهد و این را صنعت ظریفه مینامیم .

هدف صنعت اخلاق خوبی و هدف صنعت نافع سودمندی و غایت صنعت ظریفه زیبایی
است این تقسیم با حالات سه گانه روح ما هم مناسب میاید زیرا بموجب آنچه دانشمندان گفته اند
روح ما در سه حال اصلی ظهور میکند عاقله و فاعله و حاسه .

قوه عاقله صحت و عمل مفید میخواهد و قوه فاعله با اراده بعمل خیر سوق میکند و قوه
حاسه منشاء ذوق جمال است پس هدف عاقله درستی و سودمندی و هدف فاعله نیکی و هدف
حاسه زیبایی است .

بیداست همانطور که اصل این حالات سه گانه یعنی فاعله و عاقله و حاسه یکی است و آن همان روح واحد است اساس درستی و خوبی و زیبایی هم یکی است بدین معنی که درست بد یا خوب نا زیبا یا زیبای نادرست ناقص است و در حقیقت الفتی نام در میان درست و خوب و زیبا موجود است .

پس صنایع ظریفه که شعب معروف آن شعر و موسیقی و نقاشی و بیکر سازی و عمارت سازی و فروع آن است از حس بدیعی یا قوه حاسه بشر زائیده و مظهر ذوق او و موضوع آن زیبایی و اساسش تحریک حس جمالست و از این حیث در هراتر صنعت که تقلید صرف نباشد ذوق و شور و هیجان و تأثر صنعتکار ظهور میکند که حوادث و با صفحات جهان را از دیده همان تأثرات دیده و حال درونی خود را که از این احساس حاصل میشود بزبان شعر یا موسیقی یا نقاشی و غیره بیان کرده است .

از این تعریف نیک معلوم است که تقلید صرف طبیعت یا آثار دیگران ارزش صنعتی ندارد زیرا تقلید بمثابه تکرار و مضاعف کردن است و بداند ماند که یک صفحه نقاشی را مثلا چاپ کنند یا یک نغمه را بصفحات کرامافون ثبت نمایند یا منظره زیبایی از طبیعت عکس بردارند .

عکاسی از این لحاظ که گفتیم صنعت ظریفه نیست ولی نقاشی صنعت است زیرا اولی نسخه صحیح است از طبیعت که بواسطه دور بین و اجزای شیمی بدون شرکت هیجان و تأثر صنعتکار برداشته میشود ولی دومی در نتیجه تأثر و هیجان درونی و ذوق صنعتکار بوجود میآید و او جهان و حوادث جهان را فرسأ هر چه هم وصف این تأثر طبیعی کند باز بدیده روح و قریحه خود دیده است و بالجمله بیان هیجان و شخصیت او است .

روح و ذوق و طرز تلقی صنعتکار بعدی در آثار صنایع ظریفه مؤثر است که ممکن است گاهی خود موضوع بخودی خود ابدأ زیبا نبوده بلکه زشت هم باشد . ولی طرز وصف و تصویر صنعتکار و روش تلقی او ارزش و اهمیت صنعتی بآن موضوع بدهد . مثلا خود مرگ اقلا از لحاظ اسان چیزی است منفور و ترسناک ولی اگر شاعری آن را بتأثر خواص روح خود بیان نماید چنانکه ابوالعاهیه شاعر عرب آنرا در قصاید خود بیان کرده و هول و اضطراب و حس عبرت و اتباهی در خواننده بوجود میآورد یا نغمه سازی آن را بزبان موسیقی ادا نماید چنانکه سن سائین (Saint-Saëns) در نغمه معروف رقص مرگ (Danse Macabre) نموده و اندوه مرگ

را در الحسان نمودار میسازد یا نقاشی هول و وحشت آنرا تصویر کنند چنانکه آن نقاش آلمانی در لوحه معروف خود موسوم بجزیره مرده ها (Toten Insel) سیاهی و دهشت مرگ را به پیش چشم میدارد در این صورت وقعه مهیبی مانند مرگ از لحاظ اینکه بدیده صنعتکار دیده شده جاذبه و تاثیر خاصی پیدا میکند - از همین راهست که منظره تار و دودبار ساحل رود تیمز لندن در نقاشی صنعتکار معروف ویستلر (Whistler) شکل بدیعی پیدا کرده و صورت عجوزه ساحر در تصویر رمبرانت (Rembrandt) جاذبه و تاثیر خاصی کسب کرده است .

تمام این مراتب بخوبی نمودار میسازد که صنعت عبارت است از ظهور قریحه صنعتکار و از این جهت عجب نیست که گفته اند صنعت عبارت است از عالمی که بدیده صنعتکار دیده میشود پس صنعت تمثیل و تصویر صرف عالم نیست بلکه تفسیر آنست بواسطه طبع موزون شخص هنر پیشه هنر پرداز .

از همین لحاظ است که تالستوی هیجان صنعتکار را از شرایط صنعت شمرده و گروچه (Croce) حکیم ایتالیائی صنعت را نوعی الهام و شهود (Intuition) دانسته .

پس از این تعریف موجز صنعت جا دارد چند کلمه در اهمیت و ارزش آن گفته شود . بعضیها در تعریف صنایع ظریفه گفته اند که آن یکنوع بازی لطیف بشر است که با خیال آزاد و به یاری رنگ و سخن پردازند و با دیگر وسایل جهان را چنانکه خواسته مینمایاند ولی با این همه نباید صنایع ظریفه را بازی گرفت و از اهمیت آن غفلت کرد یکی از ارزش های بزرگ صنایع ظریفه همانا ترویج روح هنر است بواسطه تهذیب آن .

ذوق لطیف یعنی قوه تشخیص زیباییهای جهان لازمه زندگانی هر انسان است و اگر ذوق نبود نه جهان این سر و سامان را داشت و نه بشر از عمرش کامیاب میشد میتوان گفت از يك لحاظ درجه تمدن هر جا را میتوان با درجه ذوق بدیعی آن جامعه پیمود یعنی هر جامعه همان اندازه در مدارج تمدن بلند است که زیباییهای عالم را درك میکند .

درك جمال جهان و تمیز زیبایی از زشتی حواس را تیز میکند و روح را آزموده و عمیق میسازد و فکر و اندیشه را ژرف و باریک مینماید و در نتیجه جامعه ای را که این چنین استعداد را مالک است سوق بمعالی میدهد و فکر آنرا بدرك لطایف آماده میسازد و از این

جهت راه ترقیات مادی و معنوی بروی آنها باز میگردد مخصوصاً از لحاظ اینکه صنایع ظریفه بویژه شعر و نقاشی و موسیقی قوه تخیل را تحریک میکند بسیار مهم است زیرا قوه تخیل ذهن را بجنبش و جولان میآورد و بسا که وسعت خیال منتهی بکشف و اختراع و فهم مطالب عالی و درك حکمت متعالی میشود .

اگر از تأثیر صنایع ظریفه در روحيات و اخلاق جامعه سخن رانیم سخن بدرازا خواهد کشید و بیگمان شرحی مبسوط درخور خواهد بود - گاهی قطعاً شعری در اصلاح فکر و خوی يك جامعه از کتابهای مبسوط علمی بیشتر و تأثیر يك نمایش صنعتی در تحریک روح شهامت یا فدا کاری یا عدل و نصفت از صدها وعظ خشك و بیجان عمیقتر است .
شاید يك كتاب تمام درسی و برهانی در منع از بدی و تحریض بخوبی مانند این يك بیت نغز تأثیر در دلها نداشته باشد :

بهوش باش دلی را بسهو نخراشی بناختی که توانی گره گشائی کرد!
یا تمام مواعظ عیسوی بعضی حالات درونی حضرت عیسی را مانند آنچه که نقاشان ماهر از (رفائیل) و (لئوناردو) شروع کرده تا (بوکالین) در نگارشهای بدیع زیبای خود نشان داده‌اند بتواند بیان کنند .

محبس چیزی است مکرره و جای مجرمین است ولی آنچه شاعر انگلیسی بایرون در منظومه نغز خود موسوم به (محبوس شیلون) گفته یا گوینده ایرانی مسعود سعد در جسیات خود بیان کرده ارزش بیکران صنعتی دارد و در ذوق و دل ما مؤثر است و در تیز کردن حس و هوش ما اثری خاص میکند و عواطف ما را تحریک مینماید.
اهمیت تاریخی صنایع ظریفه را هم نباید کوچک شمرد آثار صنایع ظریفه در تاریخ يك ملت نماینده حس بدیعی و مظهر ذوق و توانه لیاقت و ظرافت و میزان درجه تمدن آنست اشعار رزمی فردوسی یا غزال حافظ یا نقش و نگار علیرضا و بهزاد یا رنگ و کلنگاری کاشیهای اصفهان تنها از این حیث مهم نیست که در روح ما مؤثر است بلکه از این جهت هم قیمت وافر دارد که از این راه ذوق و سلیقه و روش فکر و لطافت قریحه گذشتگان و نیاکان ما را میرساند و بدین و خواندن آنها ما را با گذشته میهن خود مربوط بسازد و بوحدهت و حیات و بقای روح ملی خدمت میکند .

با این ملاحظات موحز که باشاره بیان شد میتوان بلزوم نشر و تعلیم و حفظ صنایع ظریفه اندکی بی برد و قدر و قیمت نهضت صنعتی را که در این سالهای اخیر در وطن ما شروع شده دریافت و این را که حتی يك مجله صنعتی در کار انتشار است حسن استقبال کرد .